

تدقیق دو مفهوم «نمونه» و «مورد» و سنجش نسبت آن‌ها با «طراحی پژوهی» در معماری منظر

چکیده

اصطلاح «نمونه‌موردی» کاربرد زیادی در معماری منظر دارد. اما درباره مفهوم این اصطلاح مطالعه قابل توجهی انجام نشده است. تحقیق حاضر بر آن است تا ضمن تدقیق تفاوت دو مفهوم «نمونه» و «مورد»، به عنوان واژگان تشکیل‌دهنده اصطلاح فوق، ارتباط آن‌ها را با پارادایم «طراحی پژوهی» بسنجد. هدف، کاهش موانع نظری و ضعف اصطلاح‌شناسی است. راهبرد تحقیق استدلال منطقی است. نخست با مطالعه کتابخانه‌ای، دوره‌های اصلی که معنای واژه‌ها در بستر آن‌ها بروز می‌یابد استخراج شده است. دوم، با تحلیل محتوای کیفی این دوران‌ها، تعاریفی برای تشخیص تفاوت اصطلاحات پیشنهاد شده است. سوم با تکمیل پرسشنامه از میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی، که تحت تعلیم اساتید مختلفی در طی تحصیل شان بوده‌اند، نتایج مرحله دوم بررسی و نهایتاً نتیجه‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد بین «نمونه» و «مورد» تفاوت معنایی مهم روش‌شناختی وجود دارد که حداقل می‌تواند منجر به تفکیک پنج اصطلاح «پیشینه‌ها»، «نمونه‌موردی»، «نمونه آماری»، «مورد پژوهشی» و «مورد پژوهی» گردد ولی این تفاوت معنایی نزد پاسخ‌دهندگان کم‌رنگ و فاقد وجه بین‌الذهانی است. طبق نتایج، «مطالعه موردها» در مقایسه با «مطالعه نمونه‌ها»، به سبب وجود ظرفیت‌های بالا برای مواجه شدن با گوناگونی، پیچیدگی و نامعلومی، توان بیشتری برای ادغام با طراحی پژوهی دارد؛ ولی بخش بسیار اندکی از پاسخ‌دهندگان با مفهوم طراحی پژوهی آشنا هستند.

واژه‌های کلیدی: نظریه، مطالعه‌موردی، طراحی پژوهی، معماری منظر.

مقدمه

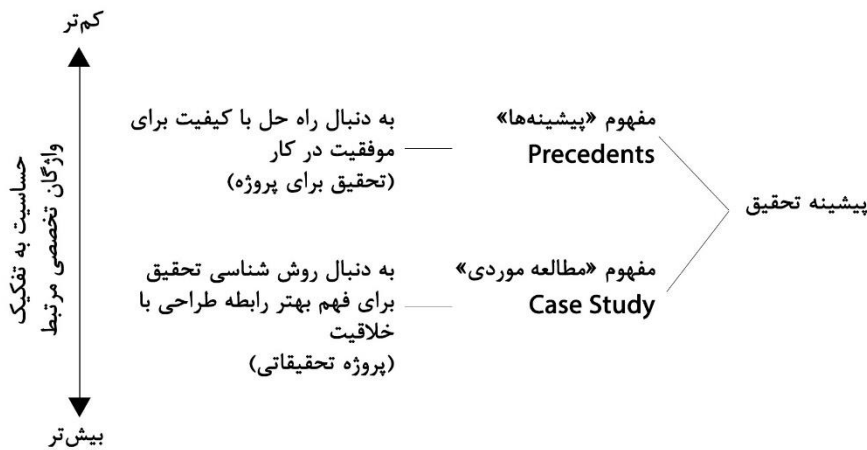
از اصطلاح «نمونه موردی» در زمینه تحقیق و طراحی معماری ایران فراوان استفاده می‌شود. اما تعدد شکل‌های بکارگیری آن باعث شده تا از این اصطلاح، برای اشاره به معناهای مختلفی که بعضاً کمترین قرابت معنایی را دارند استفاده شود. این وضعیت از جنبه واژه‌شناختی مانعی برای توسعه و انتقال دانش روش شناختی مرتبط به شمار می‌رود که اهمیت و ضرورت پرداختن به این مشکل، از طریق تبیین دو نکته روشن‌تر می‌شود. نخست آنکه این اصطلاح متشکل از دو واژه «نمونه» و «مورد» است که هر یک از آنها خود معانی مختلفی را به ذهن متبادر می‌کنند. برای مثال واژه «نمونه» می‌تواند معادل سمپل،^۱ آگزامپل،^۲ یا پرسیدنیز^۳ باشد که مرز روشنی با «مورد» که معادل کیس^۴ است ندارد. دوم اینکه در سال‌های اخیر، با ساخت ترکیبات جدید این دو واژه با کلماتی نظیر آماری، مطالعه، پژوهش، کاوش، طراحی و غیره نیز به دامنه اصطلاحات این زمینه اضافه شده است. این در حالی است تفاوت معنایی این اصطلاحات در دیسیپلین معماری منظر به‌طور خاص بررسی نشده است. از این رو پرسش تحقیق حاضر تفاوت معنایی دو واژه پایه «نمونه» و «مورد» و نقشی است که در ساخت دیگر اصطلاحات مرتبط دارند و نسبتی است که با «طراحی پژوهی» می‌یابند.

پیشینه تحقیق

در منابع انگلیسی زبان به وجود ابهام و ضعف در به کارگیری مطالعه موردی در معماری اشاره و درباره آن تحقیق شده است ولی مشخص نیست در ایران اصطلاح «نمونه موردی» به کدام یک از انواع آن مربوط است. در این میان تحقیقی که مستقیماً به رفع ابهام از اصطلاح «نمونه موردی» پرداخته باشد مشاهده نمی‌شود. از آنجا که خاستگاه مفهوم کیس^۵ استادی^۶ مطالعات انجام شده در زبان انگلیسی به عنوان زبان مبدا است، گوناگونی و پراکندگی استفاده از کلمات و اصطلاحات این حوزه از جمله «نمونه موردی»، «مورد» و «نمونه» را باید مبتلاً به زبان مقصد، در اینجا فارسی، دانست.

با ملاحظه مجموعه تحقیقات گذشته می‌توان گفت در دو گروه، رد پای وجود تفاوت معنایی میان «نمونه» و «مورد» قابل مشاهده است (تصویر ۱): اول «حرفه‌مندان متمرکز بر کار حرفه‌ای» و دوم «اندیشمندان متمرکز بر نظریه». به نظر می‌رسد منشاء این تفکیک، تفاوت قائل شدن بین مفهوم «تحقیق برای پروژه»^۷ با «پروژه تحقیقاتی»^۸ (Bruns et al., 2017, 13) و به عبارت دیگر، متفاوت دانستن طراحی تفریدی^۹ با تعمیمی^{۱۰} باشد (گروت و وانگ، ۱۳۹۱). تحقیقاتی که انجام شده‌اند در ابتدا حوزه‌های مختلف را از هم تفکیک کرده‌اند؛ مثلاً از تفکیک دو حوزه «آموزش» و «تحقیق» یا از حوزه‌های شش‌گانه سخن گفته و سپس به ابهام‌زدایی و آسیب‌شناسی مورد نظر خود درباره مطالعه موردی پرداخته‌اند. در واقع اولین عامل جداکننده معنایی، «آموزشی» یا «تحقیقی» بودن است. یعنی آیا فراتر از کار منفردی که انجام می‌شود تلاشی برای تعمیم‌پذیری نتایج و مسلح کردن برای اقدام در شرایط و حالت‌های دیگر نیز صورت می‌گیرد یا خیر؟ (Deming & Swaffield, 2011, 51).

در این راستا تاکنون تمرکز برخی محققان بر مفهوم «پیشینه»^{۱۱} به معنای خاصی که در حوزه طراحی معماری دارد بوده و برخی دیگر از آنان بر مفهوم «مطالعه موردی»^{۱۲} به معنای عامی که در روش‌شناسی تحقیق دارد متمرکز بوده‌اند. دغدغه محققان نوع اول، بیشتر موضوع «راه‌حل با کیفیت» یا «خلاقیت حرفه‌ای برای موفقیت دانشجویان یا معماران در کار خود» به‌مثابه «تحقیق برای پروژه» بوده است، نه دغدغه روش‌شناسی تحقیق و رابطه آن با طراحی و خلاقیت در قالب «پروژه تحقیقاتی» (محمودی و ذاکری، ۱۳۹۰؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ محمودی و ناری‌قمی، ۱۳۹۳؛ خزاعی و خالویی، ۱۳۹۵؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵؛ هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۵؛ Francis, 1999). به‌علاوه نزد محققان نوع اول که عمدتاً فارسی‌زبان هستند، در مقایسه با محققان نوع دوم، دقت در تفکیک دو مفهوم خاص «نمونه» و «مورد» دیده نمی‌شود. البته برای محققان نوع دوم نیز این دو واژه در کنار گروه مفاهیم دیگری با منظوره‌های مختلفی قرار می‌گیرند و اصطلاح فنی ثابتی از آن‌ها برداشت نمی‌شود؛ اما دقت نظری آنها برای مقایسه، تدقیق و استخراج تفاوت‌های ضمنی احتمالی بین اصطلاحات بیشتر است (Deming, Groat & Wang, 2013; Sarvimaki, Swaffield, 2017; Svengren, 1993; Langrish, 1993; Johansson, 2003; Swaffield, 2011; هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۷؛ ملک‌افضلی، ۱۳۹۹).



تصویر ۱. گروه‌بندی پیشینه تحقیق. ماخذ: (نگارندگان)

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد تحقیق حاضر، کیفی از نوع استدلال منطقی و شامل دو قسمت اصلی است. در قسمت اول، ابتدا آراء و تعاریف صاحب‌نظران درباره وجوه مسئله از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جست‌وجو و سپس رخدادهای مورد تاکید آن‌ها بر اساس ترتیب‌بندی معنایی و زمانی کدگذاری شده است. این جست‌وجو در سه سرفصل «نظریه»، «طراحی» و «مطالعه‌موردی» به‌عنوان سازه‌های تشکل دهنده پرسش تحقیق انجام شده است. چرا که پیشینه تحقیق نشان می‌دهد در متون روش‌شناسی مربوط به زبان انگلیسی این سه اصطلاح پرکاربرد هستند. در ادامه، با برهم نهادن کدگذاری‌های موصوف، به‌واسطه آشکار شدن شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، بازه‌های متفاوت معنایی، که واژه‌ها در بسترشان بروز می‌یابند، شناسایی شده‌اند. به کمک این تطبیق و تحلیل محتوا، تعاریفی برای نشان دادن تفاوت «نمونه» و «مورد» و ترکیب‌های آن‌ها در نسبت با طراحی‌پژوهی در معماری منظر ارائه و ترکیبات واژگانی که نزدیک‌ترین تناسب معنایی با آن‌ها دارند پیشنهاد شده است.

بعد از انجام تحلیل محتوای موصوف، در قسمت دوم برای راستی‌آزمایی و سنجش توجیه‌پذیری نتایج و میزان بین‌الذهانی بودن آن این بار پرسش‌نامه‌ای کیفی تهیه شده است. درواقع از طریق پرسش‌نامه، پاسخ پرسش‌های تحقیق که پیش‌تر در قسمت اول مشخص شده بود، در این قسمت مجدداً به صورت مستقیم و غیرمستقیم از پاسخ‌دهندگان دریافت شده‌اند. پاسخ‌دهندگان از میان دانشجویان و دانش‌آموختگان دکتری و کارشناسی ارشد دانشکده معماری دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت و بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین انتخاب شده‌اند. علت انتخاب دانشجویمان به عنوان جامعه آماری مقاله این بوده که بیشترین محتوای نظری این حوزه را مدرسان این حوزه تولید کرده‌اند و از این رو پاسخ‌های دانشجویان به پرسشنامه پیشاپیش، حاوی نظرات استادان و علاوه بر آن منعکس‌کننده این نظرات، به صورت عملی و در تنوع و تعداد بیشتر است.

بدین منظور پرسش‌نامه‌ای شامل ۸ سوال تهیه شد. سوال اول مربوط به تشخیص تأثیر مقطع تحصیلی در انتخاب‌ها است. سوال دوم به صورت غیر مستقیم بر اساس پژوهش ملک افضلی (۱۳۹۹) نشان دهنده دیدگاه پاسخ‌دهنده درباره شیوه برخوردش با مطالعه موردی است. به این ترتیب که اگر گزینه‌های یک تا چهار انتخاب شود یعنی رفتار پاسخ‌دهنده آموزشی و اگر پنج تا هفت انتخاب شود یعنی رفتار او پژوهشی است. سوال سوم به دنبال تفاوت قائل شدن یا نشدن پاسخ‌دهنده بین «نمونه» و «مورد» است. سوال چهارم درباره واژگانی است که پاسخ‌دهنده در این حوزه می‌شناسد. پاسخ این سوال مشخص‌کننده دایره واژگان پاسخ‌دهنده در زمینه روش‌شناسی مطالعه موردی است. سوال پنجم درباره آشنا بودن با مفهوم «طراحی پژوهی» است. هدف از این سوال سنجش میزان آشنایی پاسخ‌دهندگان با پارادایم‌های جدید حوزه روش‌شناسی تحقیق خصوصاً در هنر است. سوال ششم با هدف سنجش اشکالاتی طرح شده است که پاسخ‌دهندگان در حین مطالعه موردی تجربه کرده‌اند. نهایتاً در سوال‌های هفت و هشت به ترتیب، به صورت جورچین، ارتباط «واژگان پیشنهادی حاصل از تحلیل محتوا» با «دوره‌ها» و «معناها» نزد پاسخ‌دهندگان سنجیده شده است. هدف از این سوال سنجش میزان مقبولیت یا بین‌الذهانی بودن نتایج است.

کرانه‌های نظریه

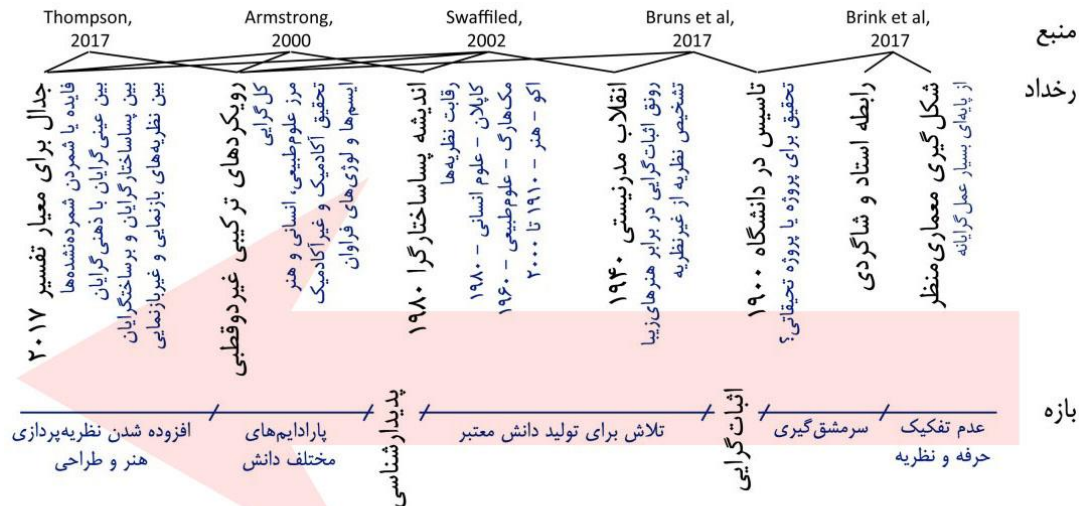
تا پیش از سال ۱۹۰۰م که آموزش دانشگاهی رشته معماری منظر شروع شد، معماران منظر به‌عنوان شاگرد یا کارآموز حرفه‌مندان آموزش می‌دیدند. از نیمه دوم قرن بیستم بود که به تدریج معماری منظر به‌مثابه یک دیسپلین، تحقیق و ساخت نظریه را شروع کرد (Van den Brink et al., 2017). از نظر سوافیلد (Swaffield, 2002) تفکر درباره ماهیت نظریه در معماری منظر در دو نوبت رخ داده است. بار اول در دهه ۱۹۴۰ به‌عنوان بخشی از انقلاب مدرنیستی در برابر سنت غالب هنرهای زیبا و بار دوم در اواخر دهه ۱۹۸۰ در قالب اندیشه‌های پسا‌ساختارگرا. در طی این سال‌ها دیسپلین منظر گاهی به سمت علوم طبیعی و تحقیق‌های اثبات‌گرا و گاهی به سمت علوم انسانی و هنر متمایل شده است.

امروزه موضع معماری منظر در بحث فرض‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را می‌توان در مجموع، شمول‌گرایی دانست (Thompson, 2017; Deming & Swaffield, 2011; Swaffield, 2002). یعنی معماری منظر به‌جای انتخاب یک پارادایم مسلط، به دنبال انتخاب‌هایی ترکیبی است که یک سر آن «ساده‌سازی و تجزیه و جوجه منظر متناسب با اصول جهان‌شمول» و سر دیگر آن «متناسب با طبیعت ساخت اجتماعی منظر» است (Lenzholzer et al., 2017)؛ به عبارت دیگر، طیفی از «تثبیت» تا «براندازی» (Corner, 1990). تامسون این وضعیت را قرارگیری در جایی در مرز میان علوم طبیعی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر می‌داند به نحوی که در هیچ یک فرو نمی‌گذرد (Thompson, 2017, 53). او صریحاً اعلام می‌کند که امروزه معماری منظر به معنای «اثبات‌گرایی» آن بی‌معنا است و اکنون در میانه جنگ بین «عینی‌گرایان» و «ذهنی‌گرایان» (ibid., 45) قرار دارد. به تعبیر دیگر، ستیزی که میان «هرمنوتیکی‌های پسا‌ساختارگرا» و «آوانگاردهای برساخت‌گرا» (Armstrong, 2000, 4)، یا نظریه‌های «بازنمایی» و «غیربازنمایی» (Corner, 1992, 154-157; Thompson, 2017, 38) جریان دارد.

از نظر تامسون (Thompson, 2017) از دهه ۸۰م «ایسم‌ها» و «لوژی‌های» متعددی در معماری منظر مطرح شده است. ولی در میان همه آن‌ها، «پدیدارشناسی» نقطه مشترک برجسته‌ای است که نشان از نقش حذف نشدنی فاعل شناسا و اجتناب‌ناپذیری تفسیر در منظر دارد. از این‌رو است که نظریه‌های اثبات‌گرا برای معماری منظر مناسب نیستند. یعنی تحقیق و دانش در معماری منظر مشروط، موقعیتی و برساختی است نه مطلق، جهان‌شمول و مستقل (Meyer, 1997). به تعبیر ژيرو (Giro et al., 2013)، انضمامی است (نه انتزاعی)، مدام در تغییر است، قطعیت ندارد و طراحی پایه است؛ هرچند از علوم روز استفاده می‌کند. معماری منظر به‌جای دو قطبی‌سازی، با در میان گذاشتن مشکل واقعی که مشترک است (Tobi & Van den Brink, 2017)، با ترکیب و امتزاج وارد فضای سوم می‌شود (Armstrong, 2000, 3). در واقع معماری منظر در نسبی‌نگری به‌مثابه نوعی انفعال نیز باقی نمی‌ماند و بر لزوم کنش‌گری و سوگیری تاکید دارد.

اما باید توجه داشت که پرسش‌هایی از قبیل «کیفیت این ترکیب چگونه است؟ تا کجا می‌توان آن را تغییر داد؟ سوگیری و بی‌طرفی چه نسبتی با هم دارند؟ و معیار تمیز دادن دانش از خرافات و فریب چیست؟»، شروع بروز تفاوت‌ها از نقطه‌ای مشترک است. ریشه این تفاوت مربوط به دگرگونی‌های مفهومی درباره قصدمندی، هویت، قطعیت، علیت و نقش انسان در حقیقت است که همچنان موضوعاتی بحث‌برانگیز هستند. در بیانی ساده، تفاوت بر سر این است که آیا می‌توان یا لزومی هست که فاعل‌شناسای مسلط کنونی را که همچون یک ساختار، امکان‌بازنمایی و پدیدارشدن عالم را می‌دهد، براندازی کرد یا خیر؟ تفاوتی که متناسب با نظریه‌پردازی‌های جدید درباره معنای هنر و پارادایم‌های جدید دانش باعث بحث درباره این پرسش شده است که برای تشخیص نو بودن نظریه، اولویت با معیار «فایده» داشتن است یا با معیار «شمردن شمرده‌نشده‌ها»؟ (Boano, 2017).

در تصویر ۲، خلاصه کرانه‌های طی شده از زمان شکل‌گیری معماری منظر تا اتخاذ رویکردهای ترکیبی غیردوقطبی و جدال‌های مرتبط برای تولید دانش به‌مثابه یک دیسپلین توانا در جهان امروز به ترتیب معنایی و زمانی نشان داده شده است.



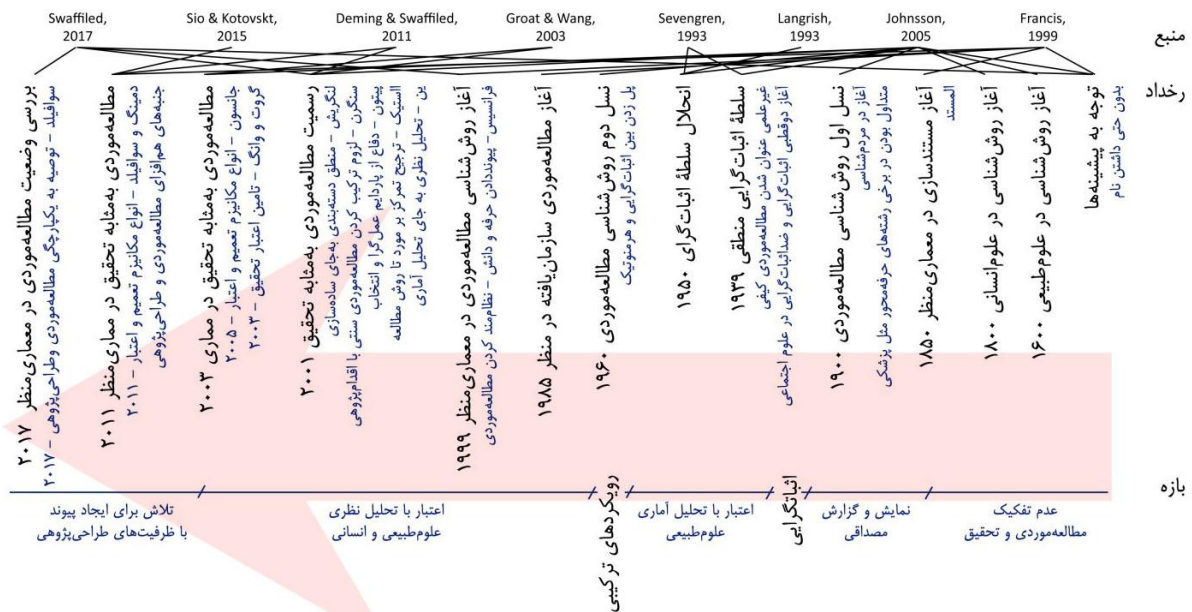
تصویر ۲. کرانه‌های نظریه. ماخذ: (نگارندگان)

کرانه‌های طراحی

در منابع انگلیسی‌زبان، افراد شناخته شده‌ای مانند لونتور و المستد و جانشینان آن‌ها بنیان‌گذاران معماری منظر به شکل امروزی هستند که با طراحی به نیازهای مردم برای استفاده از منظر پاسخ می‌دادند. آن‌ها دانش ضمنی و موقعیتی موقتی تولید کرده بودند ولی با پیچیده شدن مسائل لازم آمد تا تحقیق و طراحی شانه‌به‌شانه هم حرکت کنند (Swaffield, 2002; Bruns et al., 2017; Groat & Wang, 2013). از آنجا که دی‌سیپلین‌های طراحی متمرکز بر انجام کارهای خلاق هستند، علمی بودن آنها اغلب در مراکز دانشگاهی محل بحث بوده است، به طوری که در بسیاری محافل رسمی، هنرها همچنان جزء علم شناخته نمی‌شوند. اما از طرفی، هنرها دیگر فقط وام‌گیرنده علوم طبیعی و انسانی نیستند و پارادایم خود را نیز ارائه می‌کنند. مثلاً طراحی پژوهی حاصل فعالیت هنرهاست که به سایر دی‌سیپلین‌ها نیز معرفی شده است (Armstrong, 2000). طراحی پژوهی به تحقیق‌هایی گفته می‌شود که کنش یا اقدام طراحی کردن به مثابه یک فعل و نه یک اسم، بخشی جدایی‌ناپذیر از روند انجام آن است (Lenzholzer et al., 2017; Bruns et al., 2017). امروزه دقت در رابطه تحقیق و طراحی به شدت در حال افزایش است (Crilly, 2019).

رابطه تحقیق و طراحی از دهه ۱۹۷۰ مطرح شده و فرایلینگ در ۱۹۹۳ به‌عنوان نظریه‌پرداز هنر و طراحی از سه نوع رابطه مختلف بین آن‌ها سخن می‌گوید: «تحقیق درباره طراحی»، «تحقیق برای طراحی» و «تحقیق از طریق طراحی». در این بین آنچه بیشتر به‌عنوان طراحی پژوهی مطرح می‌شود، نوع سوم است (Lenzholzer et al., 2017; Deming & Swaffield, 2011). در طراحی پژوهی، تحقیق و طراحی نه تنها با هم ضدیت ندارند بلکه هیچ‌یک بر دیگری ارجحیت یا تقدم نیز ندارد (Lenzholzer et al., 2017). در طراحی پژوهی، رابطه محقق با موضوع تحقیق معمولاً به صورت غوطه‌وری و در تحقیق در معنای رایج، این رابطه به صورت مشاهده مستقل از بیرون است. طراحی پژوهی نه استقرایی و نه استنتاجی بلکه رفت و برگشتی و از این رو اقدامی در لحظه و مبتنی بر استدلال بهترین تبیین است. در واقع طراحی پژوهی نوعی تحقیق مطالعه موردی است و بسط‌پذیری یافته‌های آن مشابه مزیت‌ها و محدودیت‌های تمام تحقیق‌های مطالعه موردی است (Deming & Swaffield, 2011, 207).

توجه به مفهوم طراحی پژوهی در دی‌سیپلین‌های طراحی و به‌طور خاص در معماری منظر برای باز کردن افق‌های جدید نظریه و مواجهه با پیچیدگی و عدم قطعیت، کرانه‌های متعددی را چنان که در این بخش تشریح شد طی کرده است. خلاصه این کرانه‌های متعدد به ترتیب معنایی و زمانی در تصویر ۳ نشان داده شده است.



تصویر ۴. کرانه‌های مطالعه‌موردی. ماخذ: (نگارندگان)

بدین ترتیب اگرچه از سال ۱۹۰۰ مطالعه‌موردی به‌عنوان یک بررسی حرفه‌محور و از سال ۱۹۶۰ به‌عنوان یک تحقیق نرم و مقدمه برای تحقیق سخت یا اصلی رسمیت یافت، اما از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ بود که روش‌شناسی مطالعه‌موردی تلاش کرد تا قویا به اتهام تعمیم‌ناپذیر بودن نتایج مطالعه‌موردی و به‌تبع قابل‌اتکا نبودن آن به‌منابۀ تحقیق علمی پاسخ دهد. در طی این سال‌ها، مطالعه‌موردی به‌عنوان رویکردی ترکیبی (کمی/کیفی) برای تحقیق درباره پدیده‌های پیچیده در بافتار واقعی، جایگاه خود را تثبیت کرد. از آن زمان تاکنون، مجموع این تلاش‌ها در راستای ترکیب معیارهای اثبات‌گرایی و هرمنوتیک به شرحی که در تصویر ۴ آمده نشان می‌دهد که در مطالعه‌موردی به‌تدریج الزام به «تعداد زیادی نمونه تصادفی با محقق خنثی و تعداد کمی متغیر از زاویه دید محدود آزمایشگاهی» جای خود را به «تعداد محدودی مورد هدفمند با محقق کاملاً فعال و تعداد زیادی متغیر و پیچیدگی موجود در زندگی واقعی» داده است. به‌طوری‌که امروز در معماری منظر به محققان توصیه می‌شود انجام مطالعه‌موردی به‌منابۀ تحقیق، تنها مبتنی بر تحلیل آماری نباشد و علاوه بر آن، فراتر از تحلیل نظری به‌صورت ترکیبی برای آزمون و ساخت نظریه، به رابطه بدیع آن با طراحی پژوهی توجه شود (Swaffield, 2017; Deming & Swaffield, 2011).

تطبيق و تحليل مبانی

در مبانی فوق، سیر پیدایش و تغییرات مهم هر یک از سه سرفصل «نظریه»، «طراحی» و «مطالعه‌موردی» در معماری منظر به تفکیک تشریح و به کمک فنون مقوله‌بندی و کدگذاری در قالب بازهای اصلی معنایی و زمانی، ترتیب‌بندی شد (تصاویر ۲ تا ۴). یافته‌های این بررسی نشان داد که از دید معماری منظر در سرفصل «نظریه» دو نقطه اصلی «اثبات‌گرایی» و «پدیدارشناسی» مطرح است. این ۲ نقطه، معانی را به ۳ بازه اصلی «قبل از اثبات‌گرایی»، «بعد از اثبات‌گرایی تا پدیدارشناسی» و «پس از پدیدارشناسی» تقسیم کرد و ۵ رخداد اصلی «عدم تفکیک حرفه و نظریه»، «سرمشق‌گیری»، «تلاش برای تولید دانش معتبر»، «پارادایم‌های مختلف دانش» و «افزوده شدن نظریه‌پردازی هنر و طراحی» را شامل شد. همچنین از دید معماری منظر در سرفصل «طراحی» سه نقطه اصلی «شناخت امکانات تحقیق»، «توجه به رابطه تحقیق و طراحی» و «پرهیز از دو قطبی تحقیق و طراحی» مطرح است. این ۳ نقطه، معانی را به ۴ بازه اصلی تقسیم کرد و ۵ رخداد اصلی «عدم تفکیک طراحی و تحقیق»، «طراحی ضمنی و موقعیتی»، «تحقیق درباره طراحی»، «تحقیق برای طراحی» و «تحقیق از طریق طراحی» را شامل شد. و نیز از دید معماری منظر در سرفصل «مطالعه‌موردی» دو نقطه اصلی «اثبات‌گرایی» و «رویکردهای ترکیبی» مطرح است. این ۲ نقطه، معانی را به ۳ بازه اصلی تقسیم کرد و ۵ رخداد اصلی «عدم تفکیک مطالعه‌موردی و تحقیق»، «نمایش و گزارش مصداقی»،

«اعتبار با تحلیل آماری علوم طبیعی»، «اعتبار با تحلیل نظری علوم طبیعی و انسانی» و «تلاش برای ایجاد پیوند با ظرفیت‌های طراحی پژوهی» را شامل شد.

اکنون با مقایسه و تطبیق بازه‌های مو صوف در قالب تصویر ۵ می‌توان گروه‌های معنایی را شناسایی، تعریف، نام‌گذاری موقت (کد یا برچسب گذاری) نمود و در نهایت به کمک واژه‌های رایج در ادبیات موجود و قرابت‌یابی معنایی، متناسب‌ترین عبارات برای هر کدام را مشخص کرد.

تحلیل هم‌پوشانی‌ها نشان می‌دهد که «مطالعه کیفی تعداد محدودی نمونه به‌مثابه مثال» و «طراحی به‌عنوان یک خدمت یا کار» برای پاسخ به نیازهای مردم درباره‌ی منظر، دو فعالیت رایج در معماری منظر هستند. البته هر دو این فعالیت‌ها در ابتدا، یک رویکرد تحقیق معتبر با نتایج تعمیم‌پذیر به شمار نمی‌آمده‌اند. در نتیجه رویارو شدن با مسائل علوم انسانی (Johansson, 2003) و هنری (Armstrong, 2000) بود که این دو فعالیت توانستند به تدریج همراه با «تغییر پارادایم‌های دانش» از یک سو و «تلاش برای ارائه استدلال و افزایش وضوح روش‌شناختی» از سوی دیگر خود را به‌عنوان راهبردهایی دارای ظرفیت بالا برای تحقیق در مسائل پیچیده نشان دهند.

بر مبنای این سیر (تصویر ۵) می‌توان گفت که مکانیزم تحلیل‌های آماری، نیازمند بررسی تعداد زیادی از «نمونه»ها است. یعنی تحلیل آماری با یک یا چند «مورد» ممکن نیست. اما چون مفهوم عینیت به مثابه چیزی مطلق در همه چیز، به تدریج اشتباه به نظر رسید و عینیت، خود به مثابه چیزی مملو از ارزش‌گذاری دانسته شد، پیش‌فرض نرمال بودن جامعه برای تحلیل آماری از طریق «نمونه» در مسائل انسانی به چالش کشیده شد. در واقع هر «مورد» تفاوت‌های مهمی با «مورد» دیگر یا «خود در حالتی دیگر» دارد که اگر با آن به عنوان «نمونه» برخورد شود، آن تفاوت‌ها نادیده گرفته می‌شوند.

نظریه	طراحی	مطالعه موردی	بازه‌ها
جدال برای معیار تفسیر ۲۰۱۷ فایده یا شمرند شمرده شده‌ها بین عینی‌گرایان با ذهنی‌گرایان بین پیاسااختارگرایان و برساختارگرایان بین نظریه‌های بازنامی و غیربازنامی	RTD به صورت ترکیبی ۲۰۱۷ عمل‌گرا / تحول‌گرا / ساخت‌گرا / پسا اثبات‌گرا	بررسی وضعیت مطالعه‌موردی در معماری منظر ۲۰۱۷ سوافیلد - توصیه به بررسی رابطه با طراحی‌پژوهی - ۲۰۱۷ مطالعه‌موردی به‌مثابه تحقیق در ماری منظر ۲۰۱۱ دمینگ و سوافیلد - انواع مکانیزم تعمیم و اعتبار - ۲۰۱۱ جنبه‌های هم‌افزای مطالعه‌موردی و طراحی‌پژوهی مطالعه‌موردی به‌مثابه تحقیق در معماری ۲۰۰۳ جانسون - انواع مکانیزم تعمیم و اعتبار - ۲۰۰۵ گروت و وانگ - تأمین اعتبار تحقیق - ۲۰۰۳ رسمیت مطالعه‌موردی به‌مثابه تحقیق ۲۰۰۱ لنگریش - منطق دسته‌بندی به‌جای ساده‌سازی سنگرن - لزوم ترکیب کردن مطالعه‌موردی سنتی با اقدام‌پژوهی پیتون - دفاع از پارادایم عمل‌گرا و انتخاب الستیک - ترجیح تمرکز بر مورد تا روش مطالعه ین - تحلیل نظری به جای تحلیل آماری	بازرسی نظریه‌پردازی هنر و طراحی تحقیق از طریق طراحی افزودن جنبه نظریه‌پردازی
رویکردهای ترکیبی غیردوقطبی کل‌گرای مرز علوم‌طبیعی، انسانی و هنر تحقیق آکادمیک و غیرآکادمیک ایسم‌ها و لوزی‌های فراوان	RTD ناشی از پارادایم دانش هنر ۲۰۰۰ رابطه تفسیر و اثبات‌گرایی رابطه سه‌سویه سازی با تبلور قوت گرفتن دوباره طراحی ۱۹۹۳ فراایلینگ - تفکیک سه نوع رابطه تحقیق با طراحی - ۱۹۹۳ نظریه پردازي هنر و طراحی تحقیق مبتنی بر طراحی / طراحی مبتنی بر تحقیق شاگردان مک هارگ - مرکزی بودن طراحی - ۱۹۶۶ تا ۱۹۹۴	آغاز روش‌شناسی مطالعه‌موردی در معماری منظر ۱۹۹۹ فرانسس - پیوند دادن حرفه و دانش - نظام‌مند کردن مطالعه‌موردی نقد فرایند خطی طراحی ۱۹۸۰ زیسل - آزمودن طراحی به‌مثابه یک فرض - ۱۹۸۴ کروگ - خطرپذیری خلاق - ۱۹۸۳ شون - پرورش دهنده بازتابی در عمل - ۱۹۸۳ هالبرین - چرخه امتیاز دهی - ۱۹۷۳	پارادایم‌های مختلف دانش پرهیز از دوقطبی تحقیق و طراحی انتخاب یا تحلیل نظری علوم‌طبیعی و انسانی
اندیشه پیاسااختارگرا ۱۹۸۰ رقابت نظریه‌ها کایلان - علوم انسانی - ۱۹۸۰ مک‌هارگ - علوم‌طبیعی - ۱۹۶۰ اکو - هنر - ۱۹۱۰ تا ۲۰۰۰	ورود تحقیق به طراحی ۱۹۷۰ هربرت سایمون - ذغدغه‌های مهندسی هیلر و همکاران - طراحی علمی-تجربی راجرز- دفاع از نقد به مک هارگ - ۱۹۷۰ مک هارگ - رابطه تحقیق و طراحی ۱۹۶۸ ایجاد مدل: طراحی فرایند حل مشکل ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۰ ساساکی - نیاز به طراحی ساختارمند	آغاز مطالعه‌موردی سازمان‌یافته در منظر ۱۹۸۵ نسل دوم روش‌شناسی مطالعه‌موردی ۱۹۶۰ پل زدن بین اثبات‌گرایی و هرمنوتیک انحلال سلطه اثبات‌گرایی ۱۹۵۰ سلطه اثبات‌گرایی منطقی ۱۹۳۹ غیرعلمی عنوان شدن مطالعه‌موردی کیفی آغاز دوقطبی اثبات‌گرایی و ضداثبات‌گرایی در علوم اجتماعی	پدیدارشناسی تحقیق برای طراحی تحقیق درباره طراحی توجه به رابطه تحقیق و طراحی رویکردهای ترکیبی
انقلاب مدرنیستی ۱۹۴۰ رونق اثبات‌گرایی در برابر هنرهای زیبا تشخیص نظریه از غیرنظریه	ظهور مدرنیسم در طراحی ۱۹۳۰ عقلانی کردن روند‌های طراحی و برنامه‌ریزی لوکوربوزیه - طراحی علمی-ریاضی پیچیده شدن مسئله طراحی نیاز به چیزی بیش از دانش ضمنی و موقعیتی نسل دوم پیشگامان تسلط بر دانش ضمنی و موقعیتی الهام گرفتن از طراحی نسل اول نسل اول پیشگامان دانش مختص سایت به صورت نظام‌مند طراحی براساس نیاز مردم	نسل اول روش‌شناسی مطالعه‌موردی ۱۹۰۰ آغاز در مردم‌شناسی متداول بودن در برخی رشته‌های حرفه‌محور مثل پزشکی آغاز مستندسازی در معماری منظر ۱۸۵۰ المستد آغاز روش‌شناسی در علوم انسانی ۱۸۰۰ آغاز روش‌شناسی در علوم طبیعی ۱۶۰۰	دانش برای تولید دانش معتبر تحقیق درباره طراحی انتخاب یا تحلیل آثاری علوم‌طبیعی
تاسیس در دانشگاه ۱۹۰۰ تحقیق برای پروژه یا پروژه تحقیقاتی؟	نسل اول پیشگامان دانش مختص سایت به صورت نظام‌مند طراحی براساس نیاز مردم پیدایش واژه منظر	توجه به پیشینه‌ها بدون حتی داشتن نام	شناخت امکانات تحقیق طراحی ضمنی و سوفیستی سازماندهایی مصلحتی
رابطه استاد و شاگردی	شکل‌گیری معماری منظر از پایه‌ای بسیار عمل‌گرایانه		عدم تفکیک حرفه و نظریه عدم تفکیک طراحی و تحقیق عدم تفکیک مطالعه‌موردی و تحقیق

تصویر ۵. تطبیق کرانه‌های نظریه، طراحی و مطالعه‌موردی. ماخذ: (نگارندگان)

اکنون می‌توان با ابتدا بر تصویر ۵، پنج حوزه اصلی معنایی را به شرح زیر و در قالب تصویر ۶ شناسایی، گروه بندی، تعریف و کدگذاری کرد؛ نگارندگان، ترکیب واژگان زیر را با هدف متمایز کردن حوزه‌های اصل معنایی استخراج کرده‌اند، لذا نباید آنها را معادل یک‌به‌یک واژگان انگلیسی مربوطه دانست. این درواقع تلاشی است برای تولید اصطلاحاتی اولیه با هدف یافتن معادل‌های فارسی در حوزه‌های معنایی شناسایی شده در متون انگلیسی‌زبان.

پیشینه: این حوزه معنایی مربوط به هنگامی است که تعمیم‌پذیری و نظریه مطرح نباشد. بنابراین در تصویر ۶، برای تشریح اجزای تشکیل‌دهنده‌اش شاخه‌ای تعریف نشده است.

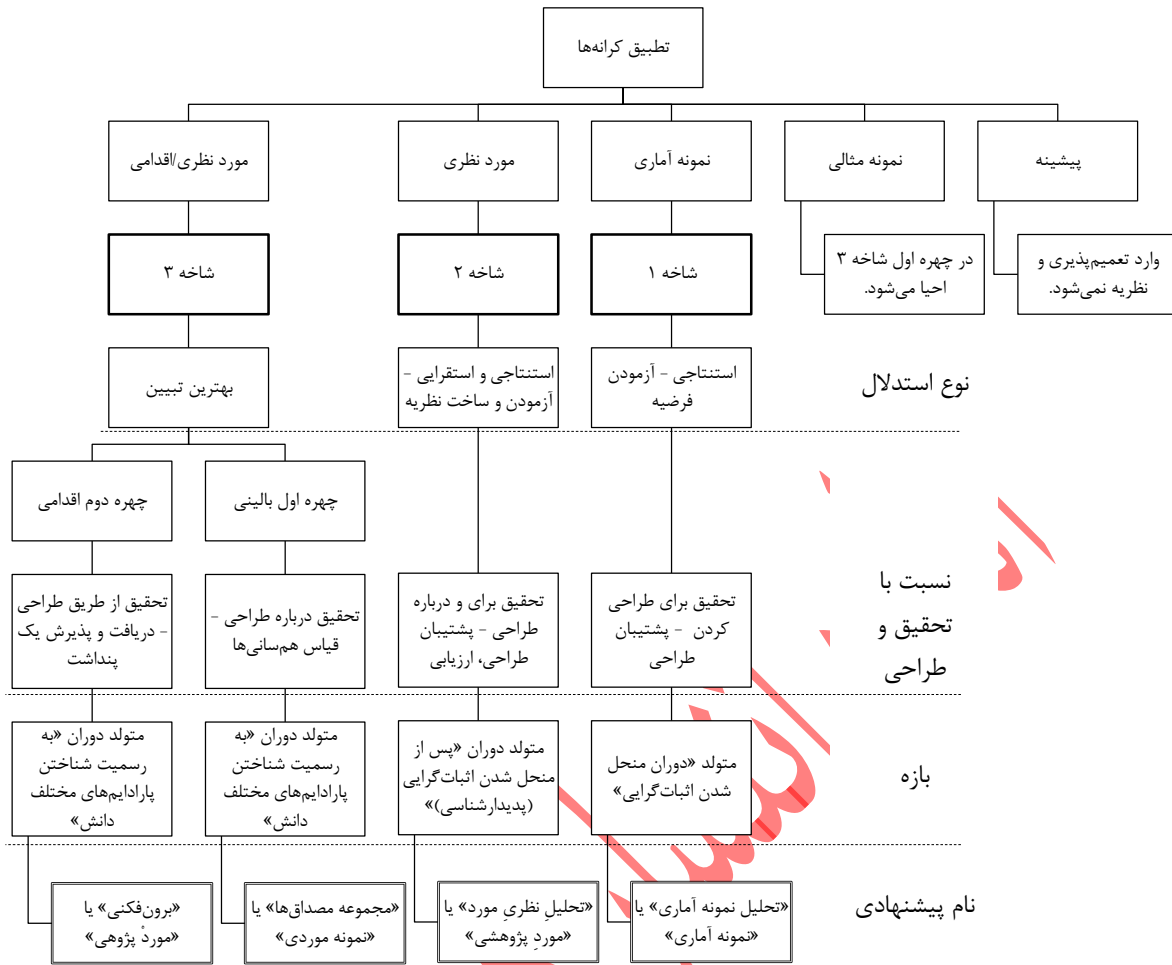
نمونه مثالی: این حوزه معنایی نیز مربوط به زمانی است که تعمیم‌پذیری و نظریه مطرح نباشد. اما شکل احیا شده این حوزه در قالب «مورد نظری/اقدامی» نوعی از امکان تعمیم و نظریه را فراهم کرده است. بنابراین در تصویر ۶، برای تشریح اجزای تشکیل‌دهنده‌اش شاخه‌ای تعریف نشده و به چهره اول شاخه ۳ ارجاع داده شده است.

نمونه آماری: این حوزه، شاخهٔ ادامهٔ یافتهٔ همان نگاه «نمونه» در بستر علوم طبیعی است. این شاخه با ارتقای الگوریتم‌ها و نظام‌های نمونه‌گیری در قالب کلان‌داده‌های بلادرنگ و آزمون‌های آماری ناپارامتریک و هوش مصنوعی همچنان با بهره‌گیری از تصادفی بودن موجود در «نمونه»، در واقع همه تک «مورد»ها را نیز وارد محاسبات می‌کند. این کار اگر به صورت غیرترکیبی با سلطهٔ تحلیل آماری انجام شود، راهبرد تحقیق از مطالعه موردی خارج و قالب سایر راهبردهای تحقیق را می‌گیرد. از این رو برای این شاخه عبارت «تحلیل نمونه آماری» یا به اختصار «نمونه آماری» مناسب به نظر می‌رسد (شاخه ۱ در تصویر ۶).

مورد نظری: این حوزه حاصل فعالیت‌های شاخه‌ای از علوم انسانی است که راهبردش نوعی تقلید یا شبیه سازی آزمایش و «نمونه» مطرح در علوم طبیعی است. در این نگاه، فراهم کردن بیشترین تنوع و امکان مقایسه بین «چندین مورد» از بررسی «تک مورد» ارجح است. البته تأکید بر انجام بررسی در بافتار واقعی با تمام پیچیدگی است. در این شاخه تعیین «واحدی برای تحلیل موردها»، قبل از جمع‌آوری داده‌ها برای مطالعه ضروری است. محقق باید بتواند روند تحقیق را کنترل کند و نتایج قابل تکرار باشد. یعنی در «مطالعه موردی» تمرکز توجه محقق بر چگونگی و شرایط «مطالعه» (Yin, 1994) است نه خود «مورد» (Stake, 1995). این شاخه پیوندی ترکیبی با روش‌های عینی برقرار می‌کند و به دنبال اصلاح آن و استفاده از فواید آن در کنار دیگر فواید ممکن است. از این رو برای این شاخه عبارت «تحلیل نظری مورد» یا به اختصار «مورد پژوهشی» یا «مطالعه موردی» مناسب به نظر می‌رسد (شاخه ۲ در تصویر ۶).

مورد نظری/اقدامی: این حوزه معنایی شامل شاخه‌ای است که حاصل نگاهی برآمده از ترکیب علوم انسانی، طبیعی و هنر است و از آزمایش و «نمونه» مرسوم در علوم طبیعی فاصله بیشتری می‌گیرد. به این معنا که بدون از پیش نظریه داشتن نیز می‌توان مقایسه را انجام داد و حتی «تک مورد» به خاطر تکنیکی نسبت به «چند مورد» ارجح است. در این شاخه، تمرکز توجه محقق در «مطالعه موردی» بر شرایط و منطق انتخاب «مورد» است. آنچه در اینجا اهمیت دارد فهم تغییر و درگیر شدن جدی در فرآیند تحقیق است. از این رو، این شاخه نه ترکیبی امتدادی بلکه سنتز یا ترکیبی اشتدادی است^۳ که ایده‌آل‌های یک تحقیق عینی را به چالش می‌کشد، چراکه علاوه بر عینیت، به افراد، اخلاق و غیره هم می‌پردازد و به همین دلیل به شکلی مثبت تحت تاثیر تفاوت نگاه است. از این جهت، این شاخه با دوران پیش از سلطه اثبات‌گرایی شباهت‌هایی پیدا می‌کند، اما چون صورت نظری اشتدادی دارد، با آن دوران یکی نیست (شاخه ۳ در تصویر ۶).

در این شاخه سوم، بر اساس تفاوت تحقیق «بالینی» و «کنشی» که اسونگرن (Svengren, 1993) برای توضیح تفاوت مطالعه موردی «سنتی» و «ادغامی» ارائه کرده است می‌توان دو چهره متفاوت را تشریح کرد. «بالینی» و «کنشی» هر دو مسئله محور، دارای عمل و متناسب با شرایط و مشارکت منحصربه‌فرد محقق هستند که وظیفه محقق در هر دو، رساندن دانش ضمنی به دانش صریح است. بنابراین فاعل شناسا نقش زیاد و مهمی در کیفیت انجام تحقیق دارد اما در بالینی «نیاز مخاطب»، و در کنشی «نیاز توسعه دانش» اول است. متناسب با این تفاوت، چهره اول، احیای دنیای شبیه به قبل از سلطه اثبات‌گرایی است که مستقیم وارد تعمیم‌پذیری نمی‌شود بلکه به صورت باواسطه، عملکرد خزانه رفتار^۴ دارد. چهره دوم، احیای دنیای شبیه به پس از منحل شدن اثبات‌گرایی است و تعمیم‌پذیری آن نه نظری، بلکه وجودی^۴ است. بنابراین طبق دسته‌بندی جانسون (Johansson, 2003)، چهره اول، تعمیم طبیعی مورد به مورد (به کمک نوعی قیاس همسانی‌ها باهم) و چهره دوم، سنتزی از مورد با نظریه است (به کمک دریافت و پذیرش یک پنداشت). از این رو برای چهره اول این شاخه، عبارت «مجموعه مصداق‌ها» یا به اختصار «نمونه موردی» و برای چهره دوم آن، عبارت «برون فکنی» یا «مورد پژوهی» مناسب به نظر می‌رسد.



تصویر ۶. بسترهای مختلف مطالعه موردی و اصطلاحات مرتبط با آن. ماخذ: نگارندگان

یافته‌های کتابخانه‌ای

یافته‌ها نشان می‌دهد «نمونه» مبتنی بر برگزیدنی تصادفی است. برگزیدنی که بتواند نماینده جامعه‌ای نرمال باشد و شناخت قانونی درباره آن به کل جامعه‌ای که نمونه‌اش است تعمیم یابد؛ ولی «مورد» مبتنی بر برگزیدنی هدفمند است. برگزیدنی که لزوماً نماینده یک جامعه نرمال نیست بلکه بیشتر مفهوم متفاوت از جامعه یا جزئی از کل را نمایش می‌دهد و شناخت از آن نه به شکل آماری بلکه به شکل نظری تعمیم می‌یابد. مکانیزم‌های تعمیم نظری شکل‌های مختلفی دارد که برخی از آن‌ها از سطح نظری عبور کرده و مبتنی بر تغییرات وجودی هستند. بر اساس این تفکیک مبنا و توجه به سیر پیدایش و تغییرات کرانه‌های «نظریه»، «طراحی» و «مطالعه موردی» تاکنون (تصاویر ۵ و ۶)، به کمک قرابت‌یابی معنایی، معنای برخی از رایج‌ترین اصطلاحات مطالعه موردی به شرح جدول ۱ پیشنهاد می‌شود.

اصطلاحاتی که «مورد» را به‌مثابه یک «تفاوت»، «شرایط خاص» و «نامعلومی برای قابل رویت کردن یک کل جدید» نمایش می‌دهند در ترکیبی یکپارچه با اصطلاحاتی چون «طراحی» یا «پژوهی» (که بیشتر نمایش‌دهنده وضعیت فعل هستند تا اسم) به حوزه‌ای نزدیک است که به فاصله بین تحقیق و طراحی قائل نیستند. معماری‌منظر تاکنون برای تقویت توان خود به‌مثابه یک دیسپلین، اصطلاحات ترکیبی از جنس «نمونه» را آسیب‌شناسی کرده و اکنون به دنبال شکل‌های بدیعی از ترکیب‌های «مورد پژوهی/طراحی پژوهی» است.

جدول ۱. خلاصه تطابق‌های ترکیبات «نمونه» و «مورد» با طراحی پژوهی در معماری منظر. ماخذ: (نگارندگان).

اصطلاح	حوزه معنایی	نقد مربوط	نسبت با طراحی پژوهی	کرانه‌ها از نگاه معماری منظر
پیشینه‌ها	رابطه استاد شاگردی	نظام‌مند نبودن	به طراحی مربوط است نه تحقیق	پیش از مطرح شدن اثبات‌گرایی
نمونه موردی	استفاده از نمونه برای نمایش مصداقی	کندی تعمیم‌پذیری	تحقیق درباره طراحی	پیش از سلطه اثبات‌گرایی
نمونه آماری	استفاده از نمونه برای تحلیل آماری	حذف تفاوت‌ها	تحقیق برای طراحی	سلطه اثبات‌گرایی تا منحل شدن آن (علوم طبیعی)
مورد پژوهشی یا مطالعه موردی	استفاده از مورد برای تحلیل نظری	اشتراکی بودن در ساختار مسلط	تحقیق درباره و برای طراحی	مطرح شدن پدیدارشناسی (ترکیب علوم طبیعی و انسانی)
مورد پژوهی	استفاده از مورد برای تغییر وجودی	جنگ درباره معیار اعتبار	تحقیق از طریق طراحی	رسمیت پارادایم‌های مختلف دانش (ترکیب علوم طبیعی، انسانی و هنر)

یافته‌های میدانی

پاسخ دهندگان ۲۱ درصد دانشجوی و دانش آموخته دکتری و ۷۸ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد بوده‌اند. در پاسخ‌ها مشخص شد تنها ۱۷٫۵ درصد از پاسخ دهندگان، مطالعه موردی را بیش از فعالیت صرفاً آموزشی میدانند و آن را راهبردی برای تحقیق تلقی می‌کنند. در این پاسخ‌ها تفاوت معنا داری بین پاسخ دهندگان مقاطع تحصیلی مختلف نبود.

از میان پاسخ دهندگان ۴۷٫۸۲ درصد تفاوتی بین دو مفهوم «نمونه» و «مورد» قائل نبودند. از میان ۵۲٫۱۸ درصدی که بین این دو مفهوم تفاوت قائل بودند، ۵ گروه مختلف قابل تفکیک است. گروه نخست با فراوانی ۳۳٫۳ درصد «نمونه» را معادل مفهوم «شاخص» یا «برتر» یعنی مفهومی نزدیک به الگو می‌دانند. گروه دوم با فراوانی ۱۶٫۶ درصد به تفاوت دو مفهوم بر اساس نتایج مطالعات تحلیل محتوا این تحقیق تا حدودی به درستی اشاره کرده‌اند ولی به طور برعکس. یعنی ویژگی‌های نمونه را برای مورد و مورد را برای نمونه مطرح کردند. با توجه به نتایج مطالعات تحلیل گفتمان این تحقیق گروه سوم با فراوانی ۱۶٫۶ درصد معنای مورد و نمونه را به جای همدیگر ذکر کردند. گروه چهارم با فراوانی ۲۵ درصد تفاوت نمونه با مورد را در شباهت داشتن یا نداشتن نمونه یا مورد به مسئله مورد نظر دانستند. به این ترتیب که برخی شباهت داشتن را برای نمونه بودن و برخی دیگر شباهت داشتن را برای مورد بودن شرط گرفتند. گروه پنجم با فراوانی کمتر از ۱ درصد، تفاوت مورد و نمونه را منوط به اجرا شدن یا نشدن می‌دانستند.

دایره واژگانی که پاسخ دهندگان اشاره کردند بر اساس فراوانی به ترتیب عبارتند از نمونه موردی (۴۶٫۸۷٪)، مورد مطالعاتی (۱۲٫۵٪)، نمونه مشابه (۹٫۳۷٪)، پرسیدن [یا پیشینه‌ها] (۶٫۲۵٪)، مطالعه موردی (۶٫۲۵٪)، مورد پژوهی (۶٫۲۵٪)، نمونه تحقیق (۳٫۱۲۵٪)، نمونه اجرا شده (۳٫۱۲۵٪)، پروژه‌های مشابه (۳٫۱۲۵٪) و مورد مطالعه (۳٫۱۲۵٪). به واژه‌های نظیر نمونه آماری، گونه شناسی (یا تیپ شناسی)، الگو و غیره اشاره ای نشد. از میان پاسخ دهندگان ۳۵ درصد ابراز داشتند که با مفهوم «طراحی پژوهی» آشنا هستند. در این پاسخ‌ها تفاوت معنا داری بین پاسخ دهندگان مقاطع تحصیلی مختلف نبود. این یافته نشان می‌دهد که ۶۵ درصد پاسخ دهندگان با مطالعات متاخر انگلیسی زبان در زمینه روش تحقیق حوزه هنر آشنا نیستند.

در میان پاسخ دهندگان پنج نوع نقص درباره شیوه انجام مطالعه موردی شناسایی شده است که به ترتیب بر اساس فراوانی عبارتند از سطحی انجام دادن (۳۴٫۶۱٪)، نبود اطلاعات مورد نیاز ایرانی و خارجی (۳۰٫۷٪)، کپی کردن (۱۵٫۳۸٪)، ضعف در انتخاب مورد (۱۱٫۵۳٪)، ندیدن اجرای پروژه‌ها (۷٫۶۹٪). در نهایت بر اساس واژگان و دوره‌های پیشنهادی که بر اساس تحلیل محتوا انجام شده است (جدول ۱)، واژه‌های پیشنهادی به درصد‌های زیر به صورت حدودی بر اساس دوره و معنا منطبق تشخیص داده شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. میزان توجه پذیری واژگان پیشنهادی نزد پاسخ دهندگان. ماخذ: (نگارندگان)

واژه	تطابق دوره	تطابق معنا
پیشینه	۵۶٫۵۲٪	۵۲٫۱۷٪
مورد پژوهشی یا مطالعه موردی	۴۷٫۸۲٪	۳۴٫۷۸٪
نمونه آماری	۴۷٫۸۲٪	۷۳٫۹۱٪
مورد پژوهی	۴۳٫۴۷٪	۷۳٫۹۱٪
نمونه موردی	۳۴٫۷۸٪	۵۶٫۵۲٪

توضیح: اگر شاخص ۵۰٪ لحاظ شود، رنگ سبز و قرمز نمایش دهنده وجود یا عدم وجود تطابق است.

بر اساس جدول ۲ می توان سه وضعیت را تفکیک کرد. وضعیت یک، درباره معنای پیشنهادی برای واژه به صورت بین الذهانی توافق نسبی بوده و با دوره آن نیز آشنایی وجود داشته است (واژه «پیشینه»). در وضعیت دوم نه معنا و نه دوره با آنچه پیشنهاد شده است تطابق نداشته (واژه «مورد پژوهشی» یا «مطالعه موردی»). وضعیت سوم، معنای برخیشان با درصد بالایی نزد پاسخ دهندگان بین الذهانی بودند (مانند واژه «نمونه آماری» ۷۳٫۹۱٪) ولی دوره های آن ها به درستی تشخیص داده نمی شدند (مانند واژه «نمونه آماری» ۴۷٫۸۲٪). وضعیت چهارم، که معکوس وضعیت سوم است، برخی واژگان با درصد کمی معنایشان نزد پاسخ دهندگان بین الذهانی است ولی با دوره های آن ها آشنایی بیشتری وجود دارد (هیچ واژه ای نبود).

نتیجه گیری

نتایج نشان می دهد که نزد دانشجویان، هنگام به کار بردن اصطلاح «نمونه موردی»، بدون توجه به تفاوت گذاری معنایی، حداقل به چهار گروه معنایی متفاوت اشاره می شود. از این چهار گروه، گروه نخست به حوزه آموزش مربوط است و نه تحقیق و واژه های پرسدنیس و اگزامپل که مبتنی بر تشابهات عین به عین هستند در این گروه جای می گیرند. گروه دوم به حوزه تحقیق مرتبط با علوم طبیعی مربوط است که واژگان تایپولوژی، تاکسونومی و سمپل (نمونه) که می توانند از طریق تحلیل آماری تعمیم یابند در آن قرار می گیرند. گروه سوم به حوزه تحقیق مرتبط با علوم اجتماعی مربوط است و واژه کیس (مورد) استادی که می تواند از طریق تحلیل نظری یا ترکیبی (آماري+نظري) تعمیم یابد متعلق به این گروه است. گروه چهارم در ارتباط با حوزه تحقیق در هنرها است که در حال حاضر در منابع انگلیسی زبان نیز جدید است و واژه هایی مانند آرکیولوژی و توپولوژی^۸ و همچنین شیوه های خاصی از کیس استادی در سایه پارادایم امنسیپتری^۹ در آن قرار می گیرد. نوع تعمیم واژگان گروه چهارم به کلی متفاوت از گروه های قبلی است و مبتنی بر میزان درگیری یا ادغام محقق و موضوع تحقیق می باشد.

همچنین نتایج نشان می دهد، اول، مواجهه با «نمونه» یا «مورد» فراتر از یک «تحقیق برای پروژه» (یعنی رفتاری آموزشی)، دارای ظرفیت انجام «پروژه تحقیقاتی» (یعنی رفتاری پژوهشی) است. اما بخش کمی از پاسخ دهندگان به رفتار پژوهشی توجه دارند (۱۷٫۵٪). دوم، شیوه استفاده از «نمونه» یا «مورد» متفاوت است. دلیل این تفاوت، منطق «انتخاب تصادفی و نماینده جامعه نرمال بودن»، «نقش کم محقق به مثابه فاعل شنا سا» و «ظرفیت کمتر آن برای ادغام با طراحی پژوهی» «نمونه»، در مقایسه با «مورد» است که از منطق «انتخاب هدفمند و حفظ گوناگونی»، «ضرورت حضور پررنگ فاعل شنا سا» و «ظرفیت بیشتر برای ادغام با طراحی پژوهی» استفاده می کند. یعنی بین «مورد» و «نمونه» تفاوت معنایی وجود دارد اما تنها نیمی از پاسخ دهندگان تفاوت قائل بودند (۴۷٫۸۲٪) و از این بین تنها بخش اندکی نوع تفاوت را صحیح و منطبق با یافته های کتابخانه ای پاسخ دادند (۱۶٫۶٪).

سوم، اصطلاحاتی که «نمونه» را به مثابه «مصادقی برای مثال زدن گزاره ای از پیش معلوم» یا «نماینده یک وضعیت یکسان» نمایش می دهند در ترکیب با اصطلاحاتی چون «تحقیق» و «مطالعه»، به حوزه معنایی نزدیک است که به وجود فاصله و اولویت داشتن «تحقیق» بر «طراحی» قائل هستند. از میان واژگان پیشنهادی نگارندگان (جدول ۱) به منظور نام گذاری گروه های معنایی مختلف، برای معنای «نمونه آماری»، «مورد پژوهی» و «نمونه موردی» توافقی بین الذهانی وجود دارد ولی این توافق عمیق نیست و وضوح روش شناختی و نظری لازم را ندارد. برای واژه «پیشینه» به طور نسبی تطابق معنایی و یا دوره ای وجود داشته است. برای واژه «مورد پژوهشی» یا «مطالعه موردی» نه تطابق معنایی و نه دوره ای وجود نداشته است.

با توجه به محدود بودن واژه‌هایی که پاسخ دهندگان عنوان کرده‌اند و عدم انسجام تفاوت معنای «نمونه» و «مورد» می‌توان نتیجه گرفت جریان فراگیر روش شناختی وجود نداشته است. از طرفی چون «سطحی انجام دادن» و «کپی کردن» فراوان‌ترین مشکل استفاده از مورد یا نمونه عنوان شده است، می‌توان نتیجه گرفت و وضعیت جاری، از میان پنج سطح ممکن (جدول ۱) برای عمل از طریق «نمونه» یا «مورد»، سطح نخست محسوب می‌شود. به تبع شکل‌گیری و تشخیص واژه‌هایی بین ال‌ذهانی، دشوار و نیازمند مقدمات و کارهای پژوهشی و کاربردی مختلف است.

هرچند تاکنون بر روی مسئله مطالعه موردی به صورت پراکنده تحقیق شده و برخی نقص‌ها و راه حل‌ها به دست آمده ولی درباره واژگان، یافته‌ها همچنان محدود است. اکنون نیاز به شبکه شدن محققان و انجام کار میدانی مستمر همراه با آموزش و تبادل نظر است. می‌بایست از ساده گرفتن بررسی «نمونه» یا «مورد» اجتناب کرد و برای آن برنامه‌ریزی و هدف گذاری نمود. چراکه این توان در «نمونه» یا «مورد» وجود دارد که در هر درسی یا تجربه‌ای به شکل و روشی متفاوت حضور یابد. نتایج هم‌سو با تحقیقات گذشته همچنان نشان‌دهنده وجود ضعف در این حوزه است و اگرچه تفکیک معنا و واژه‌های پی‌شنه‌ادی نتوانست توافقی بین ال‌ذهانی را کسب نماید ولی پایه‌ای برای پرداختن به تفاوت نمونه و مورد را مطرح می‌کند که می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش‌های بعدی باشد.

منابع

- خزاعی، فاطمه و خالویی، محبوبه (۱۳۹۵). نمونه قبلی: زمینه‌ساز خلاقیت یا تقلید در طراحی منظر. نشریه منظر، ۸(۳۷)، ۱۴-۲۱.
- سلطانی، مهرداد؛ منصور، سیدامیر و فرزین احمدعلی (۱۳۹۱). تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. نشریه باغ نظر، ۹(۲۱)، ۳-۱۲. https://www.bagh-sj.com/article_1698.html
- علی‌پور، لیلا؛ فیضی، محسن؛ محمدمردی، اصغر و اکرمی، غلامرضا (۱۳۹۵). برداشت صحیح از نمونه‌ها در ایده‌پردازی معماری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳۱(۳)، ۸۱-۹۰. <https://doi.org/10.22059/JFAUP.2016.61104>
- گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در معماری (ترجمه علیرضا عینی‌فر). انتشارات دانشگاه تهران. اثر اصلی منتشره (۲۰۱۳)
- محمودی، سیدامیرسعید و ذاکری، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). استخراج دانش کاربردی از پیشینه‌ها و تاثیر آن بر خلاقیت در طراحی معماری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳(۴۷)، ۳۹-۵۰. <https://doi.org/20.1001.1.22286020.1390.3.47.4.0>
- محمودی، سیدامیرسعید و ناری‌قمی، مسعود (۱۳۹۳). «ارزیابی پس از بهره‌برداری» یک هدف و یک وسیله آموزشی در معماری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۹(۱)، ۷۱-۸۲. <https://doi.org/10.22059/JFAUP.2014.55379>
- ملک‌افضلی، علی‌اصغر (۱۳۹۹). شناسایی و سنجش فنون رایج در «مطالعه موردی برای طراحی معماری». نشریه صفا، ۳۰(۳)، ۲۵-۳۶. <https://doi.org/10.29252/soffeh.30.3.25>
- هاشمی‌زادگان، سیدامیر (۱۳۹۵). مطالعه موردی: پیوند حرفه و دانش در معماری منظر؛ تجربه بنیاد معماری منظر آمریکا. نشریه منظر، ۸(۳۴)، ۳۷-۲۶. https://www.manzar-sj.com/article_16647.html
- هاشمی‌زادگان، سیدامیر (۱۳۹۷). برداشت صحیح از پیشینه‌های معماری منظر برای تولید دانش. نشریه منظر، ۱۲(۵۱)، ۵۸-۶۷. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.226684.2060>
- Armstrong, H. (2000). Design as research: Creative Works and the Design Studio as Scholarly Practice. *Architectural Theory Review*, 5(2), 1-13. <https://doi.org/10.1080/13264820009478396>
- Boano, C. (2017). *The ethics of a potential urbanism. Critical encounters between Giorgio Agamben and Architecture*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315542218>
- Bruns, D., Van den Brink, A., Tobi, H., & Bell, S. (2017). Advancing landscape architecture research. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 11-23). Routledge.

- Corner, J. (1990). Origins of Theory. In S. Swaffield (Ed.), *Theory in landscape architecture: a reader* (pp. 19-20). University of Pennsylvania press.
- Corner, J. (1992). Representation and Landscape. In S. Swaffield (Ed.), *Theory in landscape architecture: a reader* (pp. 144-164). University of Pennsylvania press.
- Crilly, N. (2019). Creativity and fixation in the real world: A literature review of case study research. *Design Studies*, 64, 154-168. <https://doi.org/10.1016/j.destud.2019.07.002>
- Deming, M. E., & Swaffield, S. (2011). *Landscape architectural research: inquiry, strategy, design*. Wiley press.
- Francis, M. (1999). *A case study method for landscape architecture*. University of California and ASLA foundation.
- Girof, C., Freytag, A., Kirchengast, A., & Richter, D. (Eds.) (2013). *Topology: Topical thoughts on the contemporary landscape*. Jovis.
- Groat, L., & Wang, D. (2013). *Architectural research methods* (2nd ed.). John Wiley & Sons, Inc.
- Johansson, R. (2003). Case study methodology. A key note speech at the International Conference "Methodologies in Housing Research". *The Royal Institute of Technology in cooperation with the International Association of People-Environment Studies*, Stockholm. <https://id.scribd.com/document/131396105/Case-Study-Methodology>
- Langrish, J. (1993). Case studies as a biological research process. *Design Studies*, 14(14), 357-364. [https://doi.org/10.1016/0142-694X\(93\)80012-2](https://doi.org/10.1016/0142-694X(93)80012-2)
- Lenzholzer, S., Duchhart, I., & Van den Brink, A. (2017). The relationship between research and design. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 54-64). Routledge.
- Meyer, E. (1997). The expanded field of landscape Architecture. In S. Swaffield (Ed.), *Theory in landscape architecture: a reader*. University of Pennsylvania press.
- Sarvimaki, M. (2018). *Case study strategies for architects and designers*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315707693>
- Stake, R. E. (1995). *The art of case study research*. Sage publications, Inc.
- Svengren, L. (1993). Case Study methods in design management research. *Design Studies*, 14(4), 444-456. [https://doi.org/10.1016/0142-694X\(93\)80017-7](https://doi.org/10.1016/0142-694X(93)80017-7)
- Swaffield, S. (2002). *Theory in landscape architecture: a reader*. University of Pennsylvania press.
- Swaffield, S. (2017). Case study. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 105-119). Routledge.
- Thompson, I. H. (2017). The role of theory. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 37-53). Routledge.
- Tobi, H., & Van den Brink, A. (2017). A process approach to research in landscape architecture. In A. Van den Brink, D. Bruns, H. Tobi, & S. Bell (Eds.), *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* (pp. 24-34). Routledge.
- Van den Brink, A., Bruns, D., Tobi, H., & Bell, S. (2017). *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315396903>
- Yin, R. K. (1994). *Case study research, Design and methods*. Sage Publications, Inc.

-
- ¹ Sample
 - ² Example
 - ³ Precedents
 - ⁴ Case
 - ⁵ Case Study
 - ⁶ Project research

7 research Project

8 idiographic

9 nomothetic

1 precedents 0

1 Case study 1

۱۲ برساختی (constructive) یعنی معنا هم‌زمان با قصد، فعل و شرایط فاعل شناسا و زمینه رخ می‌دهد و می‌شود نه آنکه مستقل از فاعل شناسا و زمینه به صورت مستقل از پیش باشد.

1 Verb 3

1 Noun 4

1 Design research: research about design, research for design, research by(through) design 5

1 engaged 6

1 abduction 7

1 randomness 8

1 causation 9

2 statistics and probability theory 0

2 teleological causation 1

۲۲ در ترکیب امتدادی، اگرچه عناصر با هم ادغام می‌شوند ولی منجر به تغییر فازی (کل طبیعت ترکیب حاصل از هم‌افزایی اجزا) نمی‌شوند. امری که در سنتز یا ترکیب اشتدادی رخ می‌دهد و رابطه ورودی و خروجی به کلی می‌تواند دچار تغییر شود.

2 repertoire 3

2 existential 4

2 Typology 5

2 Taxonomy 6

2 Archaeology 7

2 Topology 8

2 Emancipatory 9

فصل انتشار هنرهای زیبا

An Examination of the Difference between “sample” and “case” concepts and their relations with “design research” in landscape architecture.

The two terms "sample" and "case" are widely used in the field of landscape architecture. But there is rarely significant study about the meaning of these two common concepts. This research tries to verify the difference between the two concepts "sample" and "case", and examining their relationship with the paradigm of "design research" in landscape architecture discipline. The goal is to reduce its theoretical difficulties and the weakness of related terminology and research methodology.

The strategy of the research is logical/argumentation. First, by documentary study, the main periods in which the terms appear in their context have been extracted. Second, with the qualitative analysis and coding of this context, definitions have been proposed to distinguish between terms. Third, through a questionnaire among students, the results of the second step have been examined and finally a conclusion has been drawn.

The documentary study results show that there is an important methodological semantic difference between "sample" and "case", which can at least lead to the extraction and separation of five different terms "precedents", "example", "statistical sample", "case study" and "Research case", but this difference is not well verified and lacks intersubjective aspects among the respondents. According to the results of the documentary study, investigation of "Cases" compared to "Samples", due to the existence of high capacities to face diversity, complexity, and uncertainty, have a greater ability to integrate with research design, but a very small part of the respondents are familiar with research design paradigm.

Considering the limitedness of the terms mentioned by the respondents and the incoherence of the difference between the meaning of "sample" and "case", it can be concluded that there was no comprehensive methodological vision. On the other hand, since "doing superficially" and "imitation" are the most frequent problems of using the case or Sample, it can be concluded that the current status is the first level among the five possible levels for action through the investigation of sample or case. Results also show that the extracting and verifying of intersubjective terms is still difficult and requires various research and practical works.

Results also show that the findings about terminology of case studies and its methodologies are still limited. Now there is a need to do a systematic review, make a network for researchers and do continuous field work along with training and discourse of ideas. It is necessary to avoid simplistic examination of "sample" or "case" and plan and set goals for methodological and action clarity. Because there is this ability in "sample" or "case" to be present and play a significant role in any lesson or experience in a different form and methods. The results confirming the previous and still indicate the existence of weakness in this field. Finally although the separation of the meaning and the proposed terms of this paper could not achieve an intersubjective agreement or verification, it constructs a basis for dealing with the difference between the sample and the case, which can be the context. It is for future research.

Keywords: Theory, case study, research design, landscape architecture.